

## دنیای بی تعادل ما

۵۰۰ هزار جاسوس در سراسر جهان بجنک مخفیانه

و هراس انگیزی پرداخته‌اند

و آیا در دنیای امروز چند جاسوس وجود دارد؟ کسی چه میداند؟ اما بر-  
آوردی که توسط منابع یکی از دولتهای بزرگ بعمل آمده نشان میدهد که تعداد  
آنها از پانصد هزار متجاوز است!

یکی از دولتهای بزرگ به تنهایی صد هزار و دولت دیگر به تنهایی صد  
و پنجاه هزار جاسوس در اختیار دارد و خرج یکی از این سازمانها در حدود  
۲۲۴ میلیارد ریال در سال است!

بعضی از این سازمانهای هراس انگیز دارای چنان تشکیلات عظیمی است  
که از فواصل بعید در سراسر جهان حوادث را بلا درنگ بررسی میکنند و  
کوچکترین حوادث و وقایع سیاسی، نظامی و جاسوسی را زیر نظر دارند!  
این تشکیلات مختلف از وسائلی چون ماههای مصنوعی، اشعه ماوراء قرمز،  
دستگاههای حیرت انگیز الکترونیکی استفاده میکنند و از هیچگونه خیانت و  
تخریبی که لازم شود فروگذار نیستند، آری بدین ترتیب آنچه بر سر نوشت جهان  
حکومت واقعی دارد این سازمانهای اهریمنی است!!

تلخیص از کیهان شماره های ۶۴۰۱ تا ۶۴۰۵

\* \* \*

باید این واقعیت تلخ را بپذیریم که بر اجتماع بزرگ بشری بی تعادلی و نوسان  
عجیبی حکومت میکنند گوئی جامعه سه میلیارد نفری بشریت دچار چنان وضعی شده که دیگر ارزشهای  
ثابت در هیچ کدام از شئون اجتماعی پابرجا نمانده است. امروز نقش اساسی مربوط به موضوعاتی  
است که ناگهان بصورت مسئله‌ای در صحنه جهان بروز میکنند و دفعتاً همه حسابهای ثابت را

در هم میریزند!

مطالعه حقایق مربوط به وضع و اسرار جاسوسی در جهان امروز بیش از پیش این وضع ناپایدار و نامتعادل دنیای ما را روشن میکند ، امثال آمار و اطلاعات فوق حکایت از این میکند که در ماورای همه مقررات و قوانین و آداب و رسوم محترمانه بین المللی صحنه‌ها و معرکه‌های عجیبی برپا است !

در پشت سر این همه احترام بحقوق دیگران سرزمینی موجود است که در آنجا جز منطق «حق بازورمندان است!» حکومت نمی‌کند و پیروزی نهائی از آن دولتی است که توانسته باشد به کمک دستگاههای وحشتناک و نیرومند جاسوسی خود، بیش از دیگران اسرار نظامی و اقتصادی ملتی یا ملت‌ها را بدست آورد ، چنانکه مهمترین وسیله نفوذ استعماری در میان ملل عقب مانده نیز همین سازمانها است و این دستگاههای جاسوسی خطرناکترین اعمال را در این سرزمینها انجام میدهند !

با اطلاع از وضعی مانند اینکه بیش از پانصد هزار جاسوس زبردست با سر نوشت سیاست جهان بازی میکنند هر انسانی بخوبی می‌فهمد که تفاهم در دنیا از بین رفته است. مسئله این نیست که زمامداران هر جامعه‌ای همواره مرزهای حقوق و تعهدات بین المللی را محترم بشمارند و حقوق و منافع ملتهای مختلف جهان را بعنوان يك واقعیت بشناسند ، مسئله اینست که چگونه میتوان قدرت جهان را در دست گرفت و سپس چگونه میتوان از طریق این قدرت جهانی منافع ملل مختلف را بتصرف در آورد .

بهمین جهت مشاهده میشود گاهی دولت‌های بزرگ جهان بر سر مسئله ای یا مسائلی ظاهراً بخاطر صلح جهانی و منافع انسانها بهم تفاهم میکنند ولی متأسفانه این تفاهم نه باین معنی است که اینان حاضرند واقعاً بصلاح ملل دیگر بخیر و سعادت جامعه انسانیت بیاندیشند بلکه این تفاهم بمعنی ادراک ضرورتی است که همواره حفظ منافع خودشان وابسته بآنست ، اگر سخنانیها و خطابه‌های فریبنده‌ای که بنام صلح ایراد میشود و تظاهر آتی که بعنوان‌های بشر-دوستانه صورت می‌گیرد ، ما را گول نزنند واقعیت تلخ فوق را آشکارا درک خواهیم کرد .

مسئله خلع سلاح عمومی و مسائلی نظیر آن برای این وضع آشفته همواره نمونه‌های خوبی هستند ، سالهاست که مسئله خلع سلاح عمومی همه دول را بخود متوجه ساخته و ضرورت آن برای جهان آشکار گردیده ولی این کار هنوز يك قدم بعمل نديك نشده است چرا؟ برای اینکه دولتهای نیرومند میخواهند این مسئله بصورتی حل شود که کمترین لطمه‌ای بقدرت جهانی آنها وارد نیاید و با این وضع در حقیقت ، مسئله خلع سلاح عمومی هم سرپوشی است که در زیر آن همه

حسابهای تفوق طلبانه بر جای خود برقرار است ، این آتش زیر خاکسترو یا این نیمکاسه زیر کاسه است که تاکنون مانع از خلع سلاح عمومی شده است .

هم اکنون مسائل مشابه دیگری در محافل بین‌المللی مطرح است که برخلاف همه فریبندگی و صورت بشر دوستانه‌ایکه دارند در باطن بشر دوستانه نیستند !

آیا با این وضع نباید گفت: تفاهم درد دنیا از بین رفته است؟ آیا با اینهمه نظرهای نادرستیکه در زیر عنوانهای صلح آمیز بچشم میخورد و دستگاه‌های مخوف جاسوسی که در سراسر جهان مشغول فعالیتند ، ملیاردها پولیکه برای این تشکیلات صرف میشود و تخریب هائیکه در نقاط مختلف جهان بعمل میآید ، نقاط انفجار متعددیکه هم اکنون در چند جای دنیا بوجود آمده و هر روزه بهانه‌ای جهان را تهدید بکنگ میکنند ، همه اینها دلیل این نیست که جامعه بین‌المللی امروز دچار یک نوسان و بی‌تعدالی خطرناکی شده است و حساب‌های ثابت و ارزشهای پایدار ب تحلیل رفته است !؟

\* \* \*

ظاهر این بی‌تعدالی مورد انکار کسی نمیتواند باشد ولی باید حساب کرد آیا واقماً زندگی انسانی طوری است که همواره باید توأم با چنین وضعی باشد ؟

یعنی زندگی اجتماعی بشر آنچنان است که اداره یک جامعه بین‌المللی مانند جامعه امروز جز با وجود آوردن چنین تشکیلات مخوف و با بکار بستن چنان بودجه‌های نظامی سنگین ممکن نمیشد ؟ و به اصطلاح طبیعت زندگی اجتماعی بشر این نابسامانیها و بدگمانیهای شدید و سوء تفاهم‌های همه جانبه را ایجاد میکند ؟

دانشمندان علوم اجتماعی بچنین سؤالی پاسخ منفی میدهند ، آنها معتقدند چنین وضع اضطراب آمیزی زائیده طبع زندگی انسانی نیست ، آنها به بشر خوش بین هستند ، میگویند: بشر از نظر ساختمان روانی و غریزی و از نظر تمایلات اجتماعی ریشه داریکه در او هست صلاحیت دارد در بهترین شرایط و با عالیترین مسالمت‌ها و تفاهم‌ها زندگی کند و میتواند از عمیق‌ترین مراحل صفا و صمیمیت در میان خود کاملاً بهره‌مند گردد و زندگی بی‌درد و بی‌اضطرابی بگذراند . البته معنی این سخن این نیست که انسانها میتوانند اجتماعی بتمام معنی ایده آل و بدون هیچگونه انحراف و نابسامانی و به اصطلاح «مدینه فاضله خیالی» پدید آورند . یا اوضاع بین‌المللی میتواند از کوچکترین تشنج و ناراحتی خالی باشد ، هیچکدام از این توقعات افراطی منظور ما نیست .

مطلب این است: فرق است میان آن جامعه جهانی که تدارکات نظامی و جنگی و تشکیلات جاسوسی خرابکارانه و سیاستهای دروغپرداز در آن جنبه استثنائی داشته حکومت اصلی مربوط به حق و منطبق باشد و میان جامعه ای که اساساً همه حسابها از زور و قدرت سرچشمه بگیرد و تشکیلات خطرناکی مانند آنچه گفته شد یگانه تعیین کننده سرنوشته ملتها باشد و بالاخره جهانی که در آن همه بگویند «حق بازورمندان است!» جهانی که گرداننده آن سیاستهای «مکیا ولیستی» باشد! آری میان این دو جامعه جهانی تفاوت اساسی هست.

\* \* \*

این وضع نابسامان و این بی تعادلی دنیای کنونی معلول چه عللی است؟ معلول غفلت از ارزشهای معنوی پایدار و بنیانگذاری جامعه‌ها تنها بر اساس تأمین منافع مادی است.

در دو قرن گذشته معنویات نادیده گرفته شد، اخلاق عمومی تضعیف گردید، حس مذهبی و توجه بخدا در اثر افراط در فعالیت‌های مادی نیروی خود را از دست داد در حالیکه آنچه که بجای آنها ثبت می‌بخشد، آنچه که همواره میتواند اصل منظم کننده سیاست جهان باشد همین‌ها هستند.

آن جامعه جهانی که تنها بر حسابهای مادی استوار شده همانند خود جهان ماده، محکوم به ناپایداری خواهد بود، سراسر شون چنان اجتماعی را تلاطم و اضطراب فرا خواهد گرفت سازمانهای مخوف جاسوسی، تشکیلات وحشت‌آور نظامی؛ بدبینی شدید و عدم اعتماد ملت‌ها و دولت‌ها بیکدیگر نمونه‌هایی از اوضاع نابسامان اجتماع مادی امروز است.

امروز واقعیات بیشماری نشان میدهد تا جهان در حسابهای گذشته تجدید نظر نکند نابسامانی کنونی برطرف نخواهد شد، تا ارزش‌های معنوی نقش خود را در همه تحولات جهانی و سیاست داخلی و خارجی ملت‌ها از سر نگیرد انسان‌ها طعم آرامش درونی و روانی را نخواهند چشید و از اضطراب مصون نخواهند ماند و بدین ترتیب آنچه را که اسلام در چهارده قرن قبل عملی نمود یعنی بنیان‌گذاری جامعه بر اساس ارزشهای معنوی بار دیگر ضرورت قطعی خود را آشکار می‌سازد.